

دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح، جلسه ۱۴، نتایج اساسی، بخش ۳، پنطیکاست شفاعت عیسی و بازگشت دوباره، شش تصویر از کار نجات بخش مسیح، جایگزینی، پیروزی، فداکاری، احیا، رستگاری، آشتی بخش ۱

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کار نجات بخش مسیح است. این جلسه ۱۴، ۹ کارهای نجات بخش، نتایج اساسی، بخش ۳، پنطیکاست، شفاعت عیسی و بازگشت دوباره، شش تصویر از کار نجات بخش مسیح، جایگزینی، پیروزی، فداکاری، احیا، رستگاری، آشتی، بخش ۱، آشتی است.

مرگ و رستاخیز خداوند ما، وقایع نجات بخش منحصر به فرد او هستند و نتایج شگفت‌انگیز و ضروری برای قوم خدا دارند.

عیسی به آسمان عروج کرد، در دست راست خدا نشست، و پنطیکاست به همان اندازه که هر یک از نه رویداد نجات بخش دیگر، کار عیسی است، کار اوست. او بر روی صلیب مرد؛ از قبر برخاست، و در واقع، او و پدر، روح القدس را در پنطیکاست ریختند. در پنطیکاست، خداوند عیسی مسیح علناً عهد جدید را اعلام کرد، خلقت جدید را علناً اعلام نمود و روح القدس را علناً به جامعه جدید عطا فرمود.

انجیل یوحنا در یوحنا ۷:۳۹، نقل قول، کلمه دشواری را ارائه می‌دهد، زیرا هنوز روح القدس عطا نشده بود زیرا عیسی هنوز جلال نیافته بود. در واقع، به معنای واقعی کلمه، می‌گوید، زیرا روح القدس هنوز وجود نداشت. البته، منظور یوحنا این نیست که روح القدس قبل از جلال یافتن عیسی وجود نداشت.

او در واقع می‌گوید که روح القدس قبلاً در جهان کار می‌کرد. بلکه، یوحنا در اینجا به همان واقعیتی اشاره می‌کند که عیسی در یوحنا ۱۴:۱۵ و ۱۶ از آن صحبت می‌کند. عیسی، در روز پنطیکاست، روح القدس را به شیوه‌ای جدید و قدرتمند به قوم خدا عطا کرد.

این شامل حداقل چهار حقیقت است. اول، رسیدن به کمال نجات. قوم خدا همیشه به واسطه فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌اند.

پیش از صلیب، خداوند بر اساس کار مسیح، مردم را نجات داد، اما در آینده. بنابراین، مرگ و رستاخیز عیسی برای اولین بار رستگاری را به ارمغان نیاورد. در واقع، دستاورد او چنان عظیم بود که می‌توانست اساس رستگاری در هر زمانی از تاریخ رستگاری باشد.

به همین ترتیب، پنطیکاست نمایانگر آغاز کار روح القدس در جهان نیست. در عوض، نمایانگر کار نجات به شکلی باشکوه‌تر و کامل‌تر از گذشته است. این حقیقت دارد زیرا مسیح قیام کرده و متعالی، روح خود را به عنوان روح خود، روح مسیح، می‌فرستد.

سینکفر فرگوسن این حقیقت را به خوبی بیان می‌کند. تا زمان تعالی مسیح، همانطور که نقل می‌کنم، روح خدا نمی‌توانست در هویت اقتصادی خاص خود به عنوان روح مسیح عروج یافته پذیرفته شود. او به وسیله تعالی مسیح، این امر محقق خواهد شد.

در روزهای تحقیر او، روح مسیح بر او و بنابراین، به این معنا، با شاگردانش بود. اما در زمان تعالی او، مسیح روح خود را بر شاگردانش می‌دمید. اکنون او در هویت خود به عنوان روح منجی متعال، در آنها ساکن می‌شد.

در پنطیکاست، تحول عظیمی در تاریخ رستگاری رخ داد. و این بر رابطه مؤمنان با پسر و روح تأثیر می‌گذارد. ایمان به مسیح هرگز تا این حد صریح نبوده است.

تنها اکنون است که می‌توان به عیسی به عنوان خداوند قیام کرده و اثبات شده ایمان آورد. و روح القدس با تازگی و قدرت می‌آید. دلیلش این است که، با توجه به خود ایمان آورندگان پنطیکاست، معنای این امر، یعنی دریافت روح القدس در برکت کامل عهد جدید، یکی از جنبه‌های ایمان‌آوری و تولد تازه‌ی آنها بوده است.

کتاب خوب دیگر در مورد روح، کتاب گراهام کول با عنوان «آن که حیات می‌بخشد» است. در عنوان فرعی کتاب به روح القدس اشاره شده است، اما گراهام کول یک الهیدان استرالیایی فوق‌العاده با روحی بزرگ، روحی بزرگوار و تأکید واقعی بر تفسیر و همچنین دانش الهیات تاریخی و سیستماتیک است. قدرت جدیدی برای شهادت در اعطای روح توسط عیسی در پنطیکاست داده می‌شود.

وین گرودم خلاصه می‌کند که شاگردان، با این حال، این عهد جدید کامل را که برای خدمت توانمند می‌سازد تا روز پنطیکاست دریافت نمی‌کنند. این قدرت عهد جدید به شاگردان در شهادت و خدمتشان اثربخشی بیشتری بخشید. اعمال رسولان ۱:۸، افسسیان ۴:۸، و افسسیان ۱:۱۱-۴:۱۳. قدرت بسیار بیشتری برای پیروزی بر نفوذ گناه در زندگی همه مؤمنان.

رومیان ۶، رومیان ۸، غلاطیان ۲:۲۰، فیلیپیان ۳:۱۰. و قدرت پیروزی بر شیطان و نیروهای شیطانی که به مؤمنان حمله می‌کنند. دوم قرنتیان ۳:۱۰-۴، افسسیان ۱:۱۹-۲۱، اول یوحنا ۴:۴. من به متون اکتفا می‌کنم. جامعه جدید زمانی تشکیل شد که عیسی در روز پنطیکاست روح القدس را به طور علنی عطا کرد.

مسیح با عطای روح القدس در روز پنطیکاست، جامعه‌ای جدید به نام کلیسای عهد جدید را تشکیل داد. یکی دیگر از راه‌های مهم برای بیان جامعه جدید قوم خدا، تصویرسازی از معبد است. در روز پنطیکاست، کلیسا به معبد خدا تبدیل می‌شود.

باوینک، الهی‌دان اصلاح طلب مورد احترام، در این مورد نوشت. اما تنها در روز پنطیکاست بود که او کلیسا را به معبد خود تبدیل کرد. معبدی که او دائماً تقدیس می‌کند، آن را می‌سازد و دیگر هرگز آن را رها نمی‌کند.

سکونت روح القدس در کلیسای مسیح، موجودیتی مستقل به آن می‌بخشد. اکنون دیگر در دایره وجود اسرائیل به عنوان یک قوم و در مرزهای فلسطین محصور نیست، بلکه به طور مستقل توسط روحی که در آن زندگی می‌کند، در سراسر زمین گسترش می‌یابد و به همه مردم می‌رسد، زندگی می‌کند. خدا، به وسیله روح خود، اکنون از معبد صهیون حرکت می‌کند تا در بدن کلیسای مسیح ساکن شود، که در نتیجه در همین روز پنطیکاست، به عنوان یک مأموریت و کلیسای جهانی متولد می‌شود.

الهیات بزرگ هرمان باوینک، *الهیات اصلاح شده*، سال‌های زیادی به زبان هلندی بود اما تنها در ۱۰ یا ۱۵ سال گذشته به انگلیسی ترجمه شده است. این کتاب فوق‌العاده است. فوق‌العاده است ۱۵

او در یک کلیسای بسیار محافظه کار هلندی بزرگ شد و انجام کاری که او انجام می‌داد، مورد انتقاد قرار گرفت. او از مدرسه‌ی علوم دینی کلیسا که بسیار امن و محافظه کار بود، به مدرسه‌ی علوم دینی بزرگ جهانی

هلند رفت که بسیار التقاطی و در واقع لیبرال بود. او زیر نظر لیبرال‌های برجسته‌ی زمان خود در هلند تحصیل کرد و بدون هیچ آسیبی، با اعتقاد راسخ و کاملاً آگاه از الهیات رایج، از آنجا بیرون آمد.

بنابراین، او قادر است حقیقت را بگوید؛ او، او کاملاً به لیبرالیسم اواخر قرن نوزدهم یا اوایل قرن بیستم پایبند است و نظیری ندارد. این فوق‌العاده است - اصول اصلاح‌شده‌ی او

سه جلد بزرگ، یک جلد کوچک‌تر، با اندازه‌ای کوچک‌تر. اعمال نجات‌بخش اصلی عیسی، مرگ و رستخیز او بودند. این اعمال چنان مؤثر بودند که تأثیرات شگفت‌انگیز و دائمی در سایر اعمال نجات‌بخش ایجاد کردند.

یکی از آن اعمال، پنطیکاست بود، زمانی که مسیح کلیسای خود را با روح القدس تعمید داد. پنطیکاست عمل تاریخی و رستگاری‌بخش تکرارنشده‌ی عیسی بود. در آنجا، او به عنوان واسطه، علناً عهد جدید را اعلام کرد.

او قبلاً آن را تصویب کرده بود، اما اکنون آن را اعلام می‌کند. او به عنوان خداوند برخاسته، خلقت جدید را علناً آغاز کرد. به عنوان مسیح، او به طور علنی روح را به کلیسای خود بخشید و بدین ترتیب آن را به عنوان یک جامعه جدید تشکیل داد.

بخشید، به مشکل کوچیک با کاربراتور. رویداد نجات‌بخش بعدی ما شفاعت عیسی مسیح. کار نجات‌بخش مسیح با جلسه عروجش و پنطیکاست به پایان نمی‌رسد.

عروج، گذار او از خدمت زمینی به خدمت آسمانی‌اش است. وقتی مسیح به آسمان صعود می‌کند و در دست راست خدای پدر می‌نشیند، خدمت آسمانی شفاعت خود را آغاز می‌کند. این خدمت آسمانی شفاعت دقیقاً چگونه ما را نجات می‌دهد؟ اولاً، ما را نجات می‌دهد زیرا تکمیل کار کاهنی مسیح است.

شفاعت مسیح قطعاً به معنای تکمیل کار قربانی او نیست. کار قربانی او برای همیشه بر روی صلیب به پایان رسید. در واقع، طبق یوحنا ۱۹، خود او گفت که این کار به پایان رسیده است.

با این حال، کار قربانی او پایان کار کاهنی او نبود. پس از انجام قربانی نهایی برای گناهان، او دوباره قیام کرد، به آسمان صعود کرد، در دست راست خدا نشست و روح را بر کلیسا ریخت. در نتیجه این وقایع نجات‌بخش قبلی، اکنون او برای گناهکارانی که برای نجات آنها آمده بود، شفاعت می‌کند.

حتی اکنون، مسیح والامقام در آسمان، شفاعت مداوم و مؤثری برای قوم خود انجام می‌دهد و بدین ترتیب نجات نهایی ما را تضمین می‌کند. این امر به دومین راه نجات ما از طریق شفاعت او منجر می‌شود. شفاعت او ما را نجات می‌دهد زیرا یکی از راه‌هایی است که خداوند از طریق آن قوم خود را قادر می‌سازد تا در ایمان و اطاعت ادامه دهند.

این نقشه خداست که برگزیدگان‌ش در ایمان و اطاعت پایدار بمانند، رومیان ۸:۲۹ و ۳۰. یکی از راه‌هایی که خدا از طریق آن نقشه خود را به انجام می‌رساند، کار شفاعت پسرش در رومیان ۸:۳۴ است. شفاعت مسیح شامل پدر و روح القدس می‌شود.

این [عمل] کاهنی است، مداوم است، مؤثر است و خاص است. شاید عجیب به نظر برسد که بگوییم مسیح برای تضمین رستگاری نهایی یک مؤمن، به کاری بیش از مرگ بر صلیب نیاز داشت. با این حال، مشکل چندوجهی گناه، به یک راه حل چندوجهی نیاز دارد.

رویدادهای نجات بخش مسیح باید تمام جنبه‌های گناه‌آلود انسان را در بر بگیرد تا نجات کامل را فراهم کند. اگر زندگی، مرگ، رستاخیز، جلسه و فرستادن روح بدون گناه مسیح برای عادل شمرده شدن ایمانداران ضروری است، پس چه چیزی برای استقامت ایمانداران تا نجات نهایی ضروری است؟ پاسخ کتاب مقدس همه این رویدادها به علاوه شفاعت و بازگشت اوست. شفاعت او در رومیان ۸:۳۴ دعای او برای ماست.

شفاعت او، همانطور که قبلاً در این سخنرانی‌ها در عبرانیان ۷:۲۵ گفتم، ارائه قربانی او در شخص خود به پدر آسمانی است. عبرانیان ۷ می‌گوید که او با قدرت یک زندگی فنا ناپذیر زندگی می‌کند، و بنابراین از آنجا که او تا ابد به عنوان رستاخیز یافته زنده است، اکنون صعود کرده و نشسته و شفاعت می‌کند، زیرا او تا ابد به عنوان زنده زنده است، تا ابد زنده است تا برای قوم خود شفاعت کند و از این طریق ما را از نجات ابدی مطمئن سازد. مسیح، پروردگار ما، در خدمت کهنات خود، نه تنها بر روی صلیب مرد، بلکه او همچنین در دعا و با ارائه دائمی قربانی خود در حضور پدر در آسمان، برای ما شفاعت می‌کند.

منجی ما در دست راست خداست و نجات ما را برای همیشه حفظ می‌کند. ظهور دوباره مسیح اوج کار نجات بخش اوست. دو پیش شرط اساسی تجسم زندگی بی گناه.

وقایع اصلی فقط مرگ و رستاخیز او هستند که باید آنها را جدایی ناپذیر بدانیم، اما پنج نتیجه اساسی از آن دو رویداد اصلی رخ داده و در حال وقوع هستند و یکی از آنها هنوز هم رخ خواهد داد. مرگ و رستاخیز عیسی چنان شگفت‌انگیز، شگفت‌انگیز و مؤثر است که منجر به عروج او، نشستن در دست راست خدا، ریختن روح، دعا برای ما در خدمت آسمانی شفاعتش (رومیان ۸:۳۴) و ارائه قربانی خود در حضور پدر به طور مداوم (عبرانیان ۷:۲۴ و ۲۵) شد و کار نجات بخش او به طور کامل و نهایی در ظهور مجدد او به اوج خود خواهد رسید. کتاب مورد علاقه من هنوز در مورد «آخرین چیزها» است و من جانبدارانه عمل می‌کنم. اعتراف می‌کنم که کتاب «کتاب مقدس و آینده» نوشته آنتونی هوکما است.

با استناد به انتظاری که هوکما نقل می‌کند، انتظار ظهور مجدد مسیح مهم‌ترین جنبه‌ی فرجام‌شناسی عهد جدید است، به طوری که در واقع ایمان کلیسای عهد جدید تحت سلطه‌ی این انتظار است. هر کتاب عهد جدید ما را به بازگشت مسیح هدایت می‌کند و ما را ترغیب می‌کند که به گونه‌ای زندگی کنیم که همیشه برای آن بازگشت آماده باشیم. همین انتظار پرشور بازگشت مسیح باید کلیسای مسیح امروز را نیز مشخص کند. او این را ۵۰ سال پیش نوشت، اما در زمان ما نیز به همان اندازه مهم است.

تونی هوکما، کتاب مقدس و آینده. بنابراین، این حس وجود دارد که آمدن دوباره مسیح، زمانی نجات بخش است که او بازگردد و آخرین کاربرد کار نجات بخش خود را به ارمغان بیاورد. آن کار در مرگ و رستاخیز او به انجام رسید، اما پس از این وقایع، آمدن دوباره مسیح، تحقق نهایی اهداف نجات بخش خدا را آغاز می‌کند.

ما در حال حاضر نجات یافته‌ایم، اما اوضاع هنوز آنطور که باید و شاید نیست، وقتی که او بازگردد. کتاب مقدس حداقل هفت راه خاص را برای نجات یافتن عیسی مسیح ارائه می‌دهد. بازگشت او به معنای بودن ما با او و پدر است.

در یوحنا ۱۴، او گفت: «در خانه پدر من اتاق‌های زیادی وجود دارد. اگر چنین نبود، آیا به شما می‌گفتم که می‌روم تا مکانی برای شما آماده کنم؟ و اگر بروم و مکانی برای شما آماده کنم، دوباره خواهیم آمد.» من عاشق این کلمات هستم.

و تو را پیش خودم ببرم، تا هر جا که من هستم، تو نیز باشی. در اینجا، عیسی بهشت را به خانه‌ای بزرگ با اتاق‌های زیاد تشبیه می‌کند. و من در ایالت خودم، سنت لوئیس، افرادی را می‌شناختم که دوستان عزیزی داشتند که از آنجا نقل مکان کرده و فرزندان‌شان بزرگ شده و رفته بودند.

بنابراین، افرادی که در سنت لوئیس ماندند به دوستان عزیزشان گفتند: «اگر روزی به زادگاه ما برگردید و به ما سرزنش کنید، از دوستان عصبانی خواهیم شد.» آنها به شوخی گفتند. در واقع، می‌توانید ببینید که نام شما اکنون روی اتاق خواب این کودک سابق است. آنها چه کار می‌کردند؟ آنها به طور جدی نشان دادند که وقتی آن دوستان دوباره به آنجا بیایند، چقدر مورد استقبال قرار خواهند گرفت.

به همین ترتیب، عیسی به خانه آسمانی پدر رفته است تا اتفاقی برای ما آماده کند. به عبارت دیگر، این زبان نمادینی است برای این واقعیت که پدر ما را می‌شناسد، پدر ما را دوست دارد، او از ما استقبال می‌کند و ما به او تعلق داریم. چقدر عالی است که متعلق به خدا، پدر همه باشیم.

پولس همین حقیقت را تعلیم می‌دهد. و بنابراین، عیسی وعده می‌دهد که برمی‌گردد و ما را با خود و پدر می‌برد. و البته، با روح القدس.

پولس همین حقیقت را وقتی که ابهام تسالونیکیان را در مورد بازگشت عیسی روشن می‌کند، تعلیم می‌دهد. پولس در مورد بازگشت عیسی و برکات آن موعظه کرده بود. و تسالونیکیان چنان هیجان‌زده بودند که منتظر آمدن عیسی بودند.

و سپس برخی از آنها شروع به مردن کردند. و آنها پرسیدند، اینجا چه خبر است؟ آنها انتظار چنین چیزی را نداشتند. و از خود پرسیدند، آیا مؤمنان مرده ما بازگشت مسیح را از دست خواهند داد؟ عیسی می‌گوید، نه. به هیچ وجه.

او توضیح می‌دهد. آنها از دست نخواهند رفت. اما عیسی، وقتی برگردد، آنها را از مردگان برخیزاند.

آنگاه ما که زنده‌ایم، که باقی مانده‌ایم و نمی‌میریم، که وقتی عیسی برگردد، باقی می‌مانیم، همراه با آنها در ابرها رفته خواهیم شد تا خداوند را در هوا ملاقات کنیم. و بنابراین، ما همیشه با خداوند خواهیم بود. به یاد داشته باشید، عیسی گفت، من می‌آیم و شما را با خود می‌برم.

من آنجا هستم؛ شما نیز ممکن است آنجا باشید. بهشت، چه در مراحل میانی و چه در مراحل پایانی، به معنای بودن با خداوند است. رستگاری در اینجا به معنای بودن با عیسی برای همیشه بیان شده است.

مقصد ابدی ما یک وجود روحانی و غیرمادی بدون وجود بدن در آسمان نخواهد بود، بلکه یک وجود رستخیز یافته و جامع با تثلیث و همه مقدسین در زمین جدید خواهد بود. بازگشت عیسی برای او جلال به ارمغان می‌آورد. پولس در فیلیپیان ۳ می‌گوید: شهروندی ما در آسمان، شهروندی ماست.

از آنجا ما منتظر یک ناجی، خداوند عیسی مسیح، هستیم که بدن حقیر ما را با قدرتی که او را قادر می‌سازد همه چیز را مطیع خود سازد، به شکل بدن باشکوه خود در خواهد آورد. و کولسیان ۳:۴، وقتی مسیح، که زندگی شماسست، ظاهر شود، شما نیز با او در جلال ظاهر خواهید شد. هویت واقعی ما چنان با مسیح گره خورده است که آن آیه می‌آموزد که این حس وجود دارد که ما قرار است ظهور دومی داشته باشیم.

وقتی او در جلال ظاهر شود، ما نیز در جلال ظاهر خواهیم شد. در این متن، کلمه «ظهور دوباره» به معنای ظهور دوباره «است. منظور چیست؟ منظور این است که ما چنان در اتحاد با مسیح به او پیوسته‌ایم که»

اگرچه اکنون از برخی از آن ثمرات لذت می‌بریم، اما هویت واقعی ما تا زمانی که او دوباره نیاید و آشکار نکند که ما واقعاً در او چه کسانی هستیم، آشکار نخواهد شد.

معنی این است که تمام گناهان از بین خواهند رفت و دوباره بدن‌های ما به شکل بدن او تغییر خواهند کرد. همه این‌ها جلالی را که شایسته آن است برای او به ارمغان می‌آورد. بازگشت عیسی به معنای حیات جاودان است.

در عبارت گوسفندان و بزها در متی ۲۵، عیسی سه بار از ترتیب گوسفندان و بزها استفاده می‌کند. سه بار او این کلمات را می‌گوید. و سپس در جمله‌ی کلیدی در پایان، او کلمات و ترتیب را برعکس می‌کند و می‌گوید بزها و گوسفندان، و بدین ترتیب بر این کلمات پایانی تأکید می‌کند.

متی ۲۵:۳۱. هنگامی که پسر انسان در جلال خود و همراه با همه فرشتگان بیاید، بر تخت جلال خود خواهد نشست. او همه ملت‌ها را گرد هم خواهد آورد و مردم را از یکدیگر جدا خواهد کرد، همانطور که چوپان گوسفندان را از بزها جدا می‌کند.

این یک بار است. او گوسفندان را در دست راست خود و بزها را در دست چپ خود، دو بار قرار می‌دهد. و سپس این مدت طولانی‌تر می‌شود.

سپس پادشاه به کسانی که در سمت راست او هستند خواهد گفت، که آنها گوسفندان خواهند بود، و او ادامه می‌دهد، بیایید و پادشاهی را که برای شما آماده شده است، دریافت کنید، زیرا شما به من خدمت کردید، زمانی که به کوچکترین آنها خدمت کردید. این گفته است. و سپس او به بزها می‌گوید، از من دور شوید. شما به آتش ابدی که برای شیطان و فرشتگانش آماده شده است، نفرین شده‌اید، زیرا آنها با دوست داشتن قوم نیازمند او، ایمان واقعی را نشان ندادند.

خب، همیشه گوسفند، بز، گوسفند، بز، و بعد ۴۶. باید اینجوری بگم. همیشه گوسفند، بز، گوسفند، بز، و بعد گوسفند، بز، به عبارت گسترده‌تر، و بعد ۴۶.

اینها، به وضوح بزها، به عذاب ابدی خواهند رفت، اما صالحان به حیات ابدی خواهند رفت که در آن هر دو یا ابدیت اصلاح می‌شوند. بله، به معنای عمر طولانی است، که این عمر ainos سرنوشت با همان صفت توسط متن تعریف می‌شود، و عصر آینده توسط حیات خود خدا تعریف می‌شود.

جهنم هرگز پایان نمی‌یابد، و بهشت، نعمت بهشت نیز پایان نمی‌یابد. عیسی بازگشت، یعنی حیات جاودان را به ارمغان می‌آورد. تغییر ترتیب به بزها و گوسفندان تأکیدی است.

این توجه ما را جلب می‌کند. بنابراین، آخرین کلام در آموزه‌های عیسی، حیات جاودان است. این چیزی است که او به ارمغان می‌آورد.

آخرین فصل کتاب مقدس می‌گوید، خوشا به حال کسانی که ردای خود را می‌شویند. معنی در خون، مرگ قربانی‌گونه‌ی بره، نهفته است. خوشا به حال کسانی که به مسیح، قربانی ما، ایمان می‌آورند تا حق داشتن درخت حیات را داشته باشند، مکاشفه ۱۴:۲۲.

درختی که نمایانگر زندگی ابدی با خداست، در باغ عدن یافت شد و در پایان داستان کتاب مقدس دوباره ظاهر شد. وقتی عیسی دوباره می‌آید، زندگی ابدی را به ارمغان می‌آورد. او شادی را به ارمغان می‌آورد.

همان آیه، خوشا به حال کسانی که ردای خود را می‌شویند تا حق ورود به درخت حیات را داشته باشند واقعاً خوشا به حال آنها، و این خیلی لطف خداست که این چیزها را از قبل به ما می‌گوید، زیرا ما شادی انتظار را داریم، اما شادی انتظار در مقایسه با شادی درک واقعی و حضور در حضور خداوند چیزی نیست بازگشت او شادی می‌آورد.

به همین دلیل است که پولس، در نامه‌ای به تیطوس به عنوان کشیش و خطاب به همه فرزندان خدا، قوم خدا را ترغیب می‌کند که منتظر ظهور جلال خدای بزرگ و نجات‌دهنده ما، عیسی مسیح، باشند که خود را برای ما فدا کرد. او این را امید مبارک ما می‌نامد. این امید، شادی را در قلب هر برادر و خواهر در مسیح برمی‌انگیزد.

امید به بازگشت خداوند و منجی، مسیحیان را سرشار از شادی می‌کند، زیرا آنها انتظار دارند که برای همیشه با او باشند. بازگشت عیسی رهایی را به ارمغان می‌آورد. او قوم خود را از آزار و اذیت رهایی خواهد بخشید، طبق دوم تسالونیکیان ۱:۶ و آیات بعدی.

خدا این را عادلانه می‌داند که به کسانی که رنج می‌برند، به کسانی که شما را رنج می‌دهند، جزا دهد و به شما که رنج می‌کشید نیز هنگامی که عیسی از آسمان با فرشتگان قدرتمند و آتش شعله‌ور خود ظهور کند، آسودگی عطا کند. دوم تسالونیکیان ۱:۶ تا ۸. دوم، مسیح قوم خود را از عذاب ابدی رهایی خواهد بخشید. اول تسالونیکیان ۱:۱۰.

مردم اطراف تسالونیکیان، شهرهای اطراف آنها، گزارش می‌دهند که چگونه شما از بت‌ها به سوی خدا روی می‌آورید تا خدای زنده و حقیقی را خدمت کنید. و منتظر پسر او از آسمان باشید، که او را از مردگان برخیزانید عیسی، که ما را از غضب آینده رهایی می‌بخشد. اول تسالونیکیان ۱: ۹ و ۱۰.)

بازگشت عیسی، پادشاهی و میراث ما را به ارمغان می‌آورد، همانطور که در متی ۲۵، گوسفندان و بزها آمده «است. او به گوسفندان می‌گوید: «بیاید، ای کسانی که از جانب پدر من برکت یافته‌اید

پادشاهی‌ای را که از آغاز جهان برای شما آماده شده است، به ارث ببرید. متی ۲۵:۳۱. متی ۲۵:۳۴، بخشید

پدر من متبرک شده‌ای. وارث پادشاهی باش.

این فقط روش خدا برای ترکیب زیبا استعاره‌ها است. خدا پدر ماست، و همه کسانی که برای نجات به پسرش اعتماد می‌کنند، فرزندان خدا می‌شوند و میراثی دریافت می‌کنند. خدا نیز پادشاه است، همانطور که پسرش پادشاه است.

و میراث پسران و دختران خدا، پادشاهی‌ای است که خدا از بدو آفرینش جهان برای آنها آماده کرده است. اگر تمام کتب مقدس را کنار هم بگذاریم، میراث ما چیزی کمتر از تثلیث مقدس و آسمان جدید و زمین جدید نیست. به عبارت دیگر، همه چیز

بازگشت عیسی، همانطور که چندین بار دیده‌ایم، بازسازی کیهانی را به همراه دارد. پطرس از رنج عیسی سخن می‌گوید و از شنوندگانش در اورشلیم می‌خواهد که توبه کنند. نتیجه چیست؟ اینکه شنوندگان توبه‌کار، شخصاً بخشش گناهان را دریابند، و اینکه، به عبارت دیگر، زمان‌های تجدید قوا از حضور خداوند فرا برسد. و اینکه او عیسی، مسیح منصوب برای شما را بفرستد، که آسمان باید او را تا زمان احیای همه چیز بپذیرد.

اعمال رسولان ۱:۲۰ و ۲۱. بازگشت عیسی برکات زیادی برای قومش به همراه خواهد داشت. همچنین طبق پیشگویی نبوی عهد عتیق، منجر به احیای همه چیز توسط خدا خواهد شد.

در اینجا نیز، ظهور دوم در آسمانها و زمین جدید که توسط اشعیا ۱۷:۶۵، ۲۲:۶۶ و ۲۳ پیشگویی شده است، رخ می‌دهد. ما در واقع نه رویداد نجات‌بخش عیسی را پوشش داده‌ایم. همانطور که قبلاً گفتم، رویدادها، حتی رویدادهای خدا، خود تفسیرگر نیستند.

متأسفانه، برخی از رهبران اسرائیل، پای صلیب ایستادند و به طعنه، در راستای تحقق آیات خودشان، مثلاً مزمور ۲۲، آن را مسخره کردند. مسیح خود را مسخره کردند. هوم.

مصلوب کن، مصلوب کن. خونس بر ما و فرزندانمان باد. اوه، این کلمات مرا به لرزه می‌اندازند.

باشد که خداوند در زمان ما تا زمان بازگشت دوباره عیسی، بر یهودیان و غیریهودیان رحم کند. مطمئناً، تمام سریازانی که درگیر بودند توبه نکردند و به عیسی ایمان نیاوردند.

یکی از سریازان رومی این کار را کرد. او گفت: «این مرد قطعاً پسر خداست.» شگفت‌آور اینکه، یکی از دو دزدی که در دست راست و چپ عیسی مصلوب شده بودند، ایمان آورد.

پروردگارا، وقتی به پادشاهی خود رسیدی، مرا به یاد آور. و عیسی می‌گوید، امروز با من در بهشت خواهی بود. اما بسیاری، اکثر کسانی که آن رویداد را مشاهده کردند و واقعاً آنجا بودند، نفهمیدند.

حتی شاگردان هم فرار کردند. آنها نفهمیدند. این یعنی ما پیروز خواهیم شد، ما پیروز خواهیم شد.

نه، آنها فرار کردند. پطرس پروردگار خود را انکار کرد. بقیه فرار کردند، شاید به جز یوحنا.

بنابراین، خدا خدای کنشگر است. او همچنین خدای سخنگو است. او وحی عمل و کلام را با هم ترکیب می‌کند تا کلمه وحی را با خط فاصله بین عمل و کلام ارائه دهد.

او عمل می‌کند و اعمالش را تفسیر می‌کند. چقدر او نسبت به ما، قومش، مهربان است. و کتاب مقدس یک کتاب داستان است.

داستان درباره خلقت، شورش، نجات یا رستگاری است. اسرائیل و کلیسا زیرمجموعه‌های آن هستند. و سپس کمال در رستاخیز جدید مردگان و آسمانهای جدید و زمین جدید.

اما این یک کتاب مصور نیز هست. یک کتاب داستان است که وقایع را ارائه می‌دهد، وقایع را روایت می‌کند. ما نه رویداد از عیسی را بررسی کرده‌ایم.

مهمترین آنها مرگ و رستاخیز اوست. اما خدا همچنین تصاویری را برای تفسیر آن وقایع ترسیم می‌کند. کتاب مقدس یک کتاب داستان است.

وقایعی وجود دارد، نه رویداد شگفت‌انگیز. همه چیز از تجسم آمدن دوم مسیح. اما خدا تفسیر این چیزها را به خودمان واگذار نمی‌کند.

در واقع، هدف اصلی عهد جدید تفسیر این وقایع نجات‌بخش مسیح و به کارگیری آنها در مورد قوم خداست. خدا این کار را با تصاویر زیادی انجام می‌دهد. و من شش تصویر اصلی را برای تفسیر کار خداوند عیسی مسیح می‌شمارم.

و ما می‌خواهیم این تصاویر را یکی یکی بررسی کنیم تا بتوانیم بهتر بفهمیم که عیسی برای ما چه کرد.

همه تصاویر یک چیز را می‌گویند. ما در دردسر بزرگی افتاده بودیم. و خدا ما را در پسرش دوست داشت.

و عیسی ما را از گناهانمان نجات می‌دهد. و با این حال خدا این کار را به گونه‌ای زیبا انجام می‌دهد. و ما شش تصویر اصلی از دستاورد نجات‌بخش مسیح را می‌بینیم.

تصویری از جایگزینی وجود دارد. که در آن عیسی مجازات قوم خود را می‌پردازد. تصویری از پیروزی

مسیح، قهرمان ما، بر دشمنان ما غلبه می‌کند و ما را در پیروزی کنونی و پیروزی کامل در بازگشت خود رهبری می‌کند. تصویری از آیین پرستش، پرستش اسرائیل عهد عتیق در خیمه و معبد، وجود دارد. تصویری از قربانی کاهنان.

جایی که پروردگار ما هم کاهن است و هم قربانی. خود را یک بار برای همیشه تقدیم می‌کند تا ما را تطهیر کند. من آن را تصویر دوم خلقت تازه آدم می‌نامم.

که در آن عیسی آنچه را که در آدم از دست داده‌ایم، بازمی‌گرداند. او مرگ را آورد. مسیح از طریق اطاعت خود، حیات را می‌آورد.

تصویری از رستگاری وجود دارد. که به موجب آن عیسی با مرگ و رستاخیز خود اسیران را آزاد می‌کند. ما نیز با این تصویر شروع خواهیم کرد.

تصویری از آشتی وجود دارد. که در آن پروردگار ما بین کسانی که از خدا بیگانه شده‌اند و خدا صلح برقرار می‌کند. و من استدلال می‌کنم که این یک عمل انعکاسی برای ایجاد صلح بین خدا و کسانی است که از او بیگانه شده‌اند.

چهار متن اصلی از پولس وجود دارد. آشتی یکی از آموزه‌های پولس است. این آموزه‌ها در رومیان ۵: ۱-۱۱ یافت می‌شوند.

دوم قرن‌تیا ۱۶: ۵-۲۱. افسسیان ۱۱: ۲-۱۹. و کولسیان ۱: ۱۹-۲۳.

ما قصد داریم به ترتیب به هر یک از این تصاویر نگاهی بیندازیم. و با بررسی حوزه‌ای که استعاره، مضمون تصویر و تصویر از آن گرفته شده‌اند، شروع کنیم. آشتی تصویری از کار نجات‌بخش مسیح است که از حوزه روابط شخصی گرفته شده است.

از اینکه مردم یکدیگر را می‌شناسند، به هم عشق می‌ورزند، از هم متنفرند. این به دشمنی و دوستی مربوط می‌شود. به دشمنان و دوستان.

خلاصه کلام، ما به خاطر گناهانمان دشمن خدا بودیم. و او در پسرش عمل کرد تا صلح برقرار کند، به طوری که دشمنانش دوستان او شدند. برخلاف تصاویر دیگر، به نظر نمی‌رسد که این یکی پیشینه‌ای در عهد عتیق داشته باشد.

می‌توان استدلال کرد که پیشینه آن سنت شهدای یهودی است، همانطور که در دوم مکابیان بیان شده است و ممکن است چنین باشد. اما مهمتر از همه، برخلاف پنج تصویر دیگر که ریشه در عهد عتیق دارند، به نظر نمی‌رسد که این تصویر چنین باشد.

تعریف. پولس آن را به عنوان صلح جویی یا ایجاد صلح تعریف می‌کند. کولسیان ۱: ۱۹-۲۰.

زیرا خشنودی خدا در او، مسیح، این بود که تمامی کمال او ساکن شود. و به وسیله‌ی او همه چیز را، چه آنچه بر زمین است و چه آنچه در آسمان، با خود آشتی دهد، و با خون صلیب او صلح برقرار سازد. آشتی صلح‌آوری است.

از آنجایی که آشتی تصویری متعلق به قلمرو روابط شخصی است، نیاز به آشتی، روابط شکسته، یا به عبارت دیگر، روابط از هم گسیخته است. رومیان ۵: ۱۰. پولس می‌نویسد: ما دشمنان خدا بودیم.

کولسیان ۱: ۲۱. ما در ذهن خود با خدا بیگانه و دشمن بودیم. در ادامه به آغازگر و هدف آشتی می‌پردازیم.

در کتاب پولس، خدا، یعنی آن بخش رنجیده، ابتکار عمل را به دست می‌گیرد. من به عنوان یک کشیش موقت، هرگز صرفاً یک کشیش نبوده‌ام. من همیشه یک استاد بوده‌ام، حالا بازنشسته شده‌ام، که حدوداً ده بار یا بیشتر در کلیساهای مختلف در ایالت‌های مختلف، دوره‌های موقت کشیشی گذرانده‌ام و از آن کاملاً لذت می‌برم. گاهی اوقات از من خواسته می‌شد که مشاوره ازدواج انجام دهم، و گاهی اوقات مثل محمد در کوهستان است.

یک مشکل واقعی بین زن و شوهر وجود دارد و هیچ یک از طرفین حاضر به کوتاه آمدن نیست. برداشت من این است که سرپرستی مرد به این معنی است که شوهران اولین قدم را برمی‌دارند. ما در فروتن کردن خود به عنوان رهبر رابطه، پیشقدم می‌شویم.

بله، هر دو طرف گناه می‌کنند و گاهی اوقات واقعاً، مسائل واقعاً ساخته و پرداخته می‌شوند. اما ما فراخوانده شده‌ایم که رهبران خدمتگزار باشیم، همانطور که عیسی بود. و در هر صورت، در این زمینه، ما نمی‌توانستیم ابتکار عمل را برای برقراری صلح با خدا به دست بگیریم.

خدا مجبور نبود ابتکار عمل را به دست بگیرد، اما با فیض خود، با تصمیم به نجات ما، همین کار را انجام داد. خدا، طرف رنجیده، ابتکار عمل را به دست می‌گیرد و آشتی را محقق می‌کند. دوم قرنتیان ۵: ۱۸، پولس «می‌گوید»: همه اینها از جانب خداست که به وسیله مسیح ما را با خود آشتی داد.

به طرز تکان‌دهنده‌ای، در متن یونانی قرن اول، که از آشتی صحبت می‌کند، نه عهد عتیق، بلکه یونانی‌ها این کار را می‌کنند، به نقل از یک متخصص واقعی یونانی، استنلی پورتر، به طرز شگفت‌آوری، پولس اولین نویسنده یونانی معتبر است که از طرف رنجیده، خدا، صحبت می‌کند که با استفاده از وجه معلوم فعل، نقل قول بسته، آشتی را آغاز می‌کند. پورتر به ما یادآوری می‌کند، نقل قول، در واقع، آغازگر آشتی همیشه خداست. اینها سخنان من است. ببخشید.

گاهی پدر، دوم قرن‌تینان ۵: ۱۸-۱۹، کولسیان ۱: ۲۰، و گاهی پسر، افسسیان ۲: ۱۴-۱۶. خود خدا نه تنها، آغازگر آشتی است، بلکه هدف آن نیز می‌باشد. در تمام کاربردهای فعل آشتی در دوم قرن‌تینان ۵، آیات ۱۸ مفعول یا هدف عمل، خداست. ما با خدا آشتی کرده‌ایم، ۲۰، ۱۹،

در واقع، کتاب مقدس هرگز نمی‌گوید که خدا با ما آشتی کرده است. من فکر می‌کنم که این به طور ضمنی چنین چیزی را بیان می‌کند. من فکر می‌کنم که واقعاً چنین است.

اما شما تا الان روش الهیاتی من را می‌دانید. این روش این را نمی‌گوید، و من آزادانه این را می‌پذیرم. بنابراین حرکت الهیاتی من مبتنی بر این است، آن را در نظر می‌گیرد و با شواهد کار می‌کند تا به نتیجه‌ای برسد که کتاب مقدس به طور خاص در مورد آن صحبت نکرده است.

اچ. درموت مک‌دونالد، که قبلاً در این سخنرانی‌ها از اثر شگفت‌انگیز او در مورد تاریخ آموزه کفاره بسیار استفاده کردم، نوشت: «او خود صلح ماست.» افسسیان ۲ از همین عبارت در آیه ۱۴ استفاده می‌کند. مسیح صلح یا مصلح شخصی ماست.

برای تحقق این امر، مسیح باید خدا و انسان در یک شخص باشد. الوهیت او در کولسیان ۱: ۱۹ تعلیم داده شده است. در او، تمامی کمال الوهیت، خشنود بود که ساکن شود.

و از طریق او، خدا خشنود شد که همه چیز را با خود آشتی دهد. انسانیت عیسی با اشاره به خون صلیب او بدن جسمانی او و مرگش برجسته می‌شود. هر چهار بخش مربوط به آشتی، بیان می‌کنند که مسیح واسطه آشتی است.

این کار با استفاده از حروف اضافه انجام می‌شود. آشتی از طریق، توسط، یا در مسیح انجام شد. رومیان ما از طریق خداوندمان عیسی مسیح با خدا صلح داریم، ۱: ۵.

افسسیان ۲: ۱۳، اما اکنون، در مسیح عیسی، شما ای غیریهودیان، زمانی دور بودید، نزدیک شده‌اید. دوم قرن‌تینان ۵: ۱۸، همه اینها از جانب خداست که به وسیله مسیح ما را با خود آشتی داده است. کولسیان ۱: ۱۹ و ۲۰.

زیرا تمامی کمال خدا در او ساکن شد. و از طریق او همه چیز را با خود آشتی داد. او از هر نظر که به آن بنگرید، واسطه نجات است.

بنابراین، در اینجا، به طور خاص در آشتی، خداوند عیسی مسیح حضور دارد. در واقع، تمرکز آشتی بر شخص و عمل مسیح است. در ابتدا، یکی از اصول الهیاتی ما، یعنی مقدمه‌ای بر مسیح‌شناسی، را نشان می‌دهد.

شخص و عمل او از هم جدا نیستند. عمل آشتی، تمرکز بر کفاره، بر کفاره است، نه رستاخیز او، بلکه بر کفاره است. این کار با مرگ پسرش انجام شد، رومیان ۱۰: ۵. از طریق صلیب، افسسیان ۱۶: ۲. با خون صلیب و در بدن جسمانی‌اش با مرگش، کولسیان ۲۲: ۱. در یک جا، پولس از رستاخیز عیسی به عنوان اساس آشتی یاد می‌کند.

رومیان ۱۰: ۵ هم مرگ و هم رستاخیز او را در کار آشتی جوانه‌اش گنجانده است. زیرا اگر زمانی که ما دشمن بودیم، به وسیله مرگ پسرش با خدا آشتی داده شدیم، چقدر بیشتر اکنون که آشتی کرده‌ایم، به وسیله حیات

او نجات خواهیم یافت. با این حال، اشتباه است که بر اساس این متن، دستاورد نجات بخش مسیح را بین مرگ و رستاخیز او تقسیم کنیم.

بلکه، شراینر درست می گوید. رومیان ۵:۱۱، یادآور رومیان ۴:۲۵ است. مرگ و رستاخیز مسیح در تحقق نجات جدایی ناپذیرند. دامنه

، کار نجات بخش مسیح در آشتی دادن انسانها آنقدر عظیم است که در سطوح مختلف عمل می کند. فردی، جمعی و کیهانی. آشتی فردی، گناهکاران را یکی یکی به خانواده‌ی خدا می آورد

آشتی جمعی، بین خدا و گروه‌هایی از مردم که کلیساها را تشکیل می‌دهند، صلح برقرار می‌کند. نظر گراهام کول بسیار مختصر و مفید است. دشمنی جای خود را به در آغوش گرفتن می‌دهد.

، آشتی کیهانی، نقل قول، همه چیز را در او متحد می‌کند. آنچه در آسمان است و آنچه بر زمین است افسسیان ۱:۱۰. چگونه این اتفاق افتاد؟ باز هم نقل قول می‌کنم، زیرا تمام کمال خدا در او ساکن شد. و از طریق او، همه چیز را، چه در زمین و چه در آسمان، با خود آشتی دادند و با خون صلیب او صلح برقرار کردند، کولسیان ۱:۱۹، ۲۰. این اتحاد جهانی، هماهنگی یا آشتی را برای جهان خدا به ارمغان می‌آورد.

این شامل مطیع کردن قدرت‌ها، کولسیان ۲:۱۴، و اتحاد کلیسا، افسسیان ۲ می‌شود. اما این آشتی کیهانی جهان‌شمول‌گرایی نیست، که با حقیقت کتاب مقدس در تضاد است. همه نجات نخواهند یافت. جنبه‌ها

پولس دو جنبه جدایی‌ناپذیر از آشتی را از هم متمایز می‌کند. اول، دستاورد منحصر به فرد مسیح در آشتی بر روی صلیب، یک مقبره خالی، پایه و اساس آشتی است. دوم، آشتی همچنین شامل موعظه مسیحی است که کفار آشتی را در بر می‌گیرد.

خداوند رسالت آشتی را به ما عطا فرمود. او پیام آشتی را به ما سپرد، دوم قرن‌تین ۵: ۱۸-۱۹. می‌توانیم این جنبه‌های عینی و ذهنی را به ترتیب آشتی بنامیم. از نظر عینی، کار نجات بخش عیسی آشتی می‌دهد.

از نظر ذهنی، مردم برای نجات یافتن باید ایمان داشته باشند. و خداوند ما را سفیران آشتی مسیح قرار داده است. باز هم، دوم قرن‌تین ۵. داگلاس مو، مفسر بسیار مورد علاقه من، به تعادل سالمی در تمایز یا عدم تفکیک این دو جنبه دست می‌یابد.

نقل قول، آشتی در نوشته‌های پولس دو جنبه یا لحظه دارد. تحقق آشتی از طریق مسیح بر روی صلیب و پذیرش آن کار تکمیل‌شده توسط مؤمن. طبیعتاً، در حالی که تمرکز می‌تواند بر یکی از این لحظات یا لحظه دیگر باشد، فعالیت آشتی بخش خدا در نهایت یک عمل است.

و در آیه حاضر، رومیان ۵:۱۰، کل فرآیند در نظر گرفته شده است. آیا خدا نیز آشتی کرده است؟ کتاب مقدس هرگز نمی‌گوید که خدا خود را با ما آشتی داده است. با این حال، بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که اکثر کسانی که عمیقاً به این موضوع فکر می‌کنند، معتقدند که او آشتی کرده است و این حتی اساسی‌تر از آشتی دادن ما با خودش است.

باید واضح بگوییم. ما به دلیل گناه و بیگانگی مان نیاز داشتیم با خدا آشتی کنیم. او نیازی نداشت که با ما آشتی کند چون کار اشتباهی می‌کرد.

او کار بدی نمی‌کند. او مقدس است. اما آیا گناهان ما نیز مانعی در راه خدا ایجاد می‌کنند؟ پس او نیز به دلیل گناه و خصومت ما علیه او، نیاز داشت که با ما آشتی کند؟ آی. هاوارد مارشال، محقق مشهور عهد جدید نوشت: «واقعیت داوری نهایی به عنوان پاسخی فعال به گناه انسان، بخش کاملاً محوری از مخصمه‌ای است.» که گناهکاران باید از آن نجات یابند

این در واقع نقطه شروع کتاب مقدس است. البته، گناه ما علت این مخصمه است، هم از جانب ما و هم از جانب خدا. اما اشتباه است که فرض کنیم گناه ما هیچ تأثیری بر خدا ندارد. همانطور که جان استات توضیح می‌دهد، نقل قول، هر زمان که فعل آشتی دادن در عهد جدید می‌آید، یا خدا فاعل است، او ما را با خودش آشتی داد، یا اگر فعل مجهول است، ما هستیم، ما با او آشتی کردیم.

خدا هرگز مفعول نیست. هرگز گفته نشده است که مسیح پدر را با ما آشتی داد. از نظر رسمی، زبانی، این یک واقعیت است.

اما باید مراقب باشیم که از نظر الهیاتی بیش از حد به آن تکیه نکنیم. اشتباه است که فکر کنیم مانع بین خدا و ما، که کار آشتی را ضروری می‌کند، کاملاً از جانب ماست. بنابراین ما نیاز به آشتی داشتیم، و خدا این کار را نکرد.

درست است که ما دشمنان خدا بودیم و در دل‌هایمان با او دشمنی داشتیم، اما این دشمنی از دو طرف بود. دیوار یا مانع بین ما و خدا هم از طریق عصیان ما علیه او و هم از طریق خشم او بر ما به دلیل عصیان ما، ایجاد شده بود. اگر می‌توانستیم یک دعوای زناشویی را تصور کنیم که در آن یک طرف کاملاً بی‌گناه باشد، ممکن است بتوانیم آن را تصور کنیم یا نکنیم.

من بعضی‌ها را می‌شناسم که تقریباً همین‌طور بودند. من این واقعیت را نشان می‌دهم که دشمنی وجود دارد و باید از هر دو طرف، حتی در روابط انسانی، با آن برخورد شود. داگ مو موافق است.

ممکن است منظور پولس از این حرف صرفاً این باشد که ما گناهکاران سرکش با خدا دشمنی می‌کنیم، قوانین او را نقض می‌کنیم و خدایان دیگر را به جای او قرار می‌دهیم. اما همانطور که پولس بارها در این نامه، رومیان تأیید کرده است، خدا نیز دشمن است، به عبارت دیگر، در گیومه‌ها، به حق با ما دشمنی، ۳:۲۵، ۱:۱۸ می‌کند. گناهان ما به حق خشم او را برانگیخته‌اند، که به عنوان مجازاتی بر ما اعمال می‌شود.

رومیان ۱:۱۹ و ۳:۲. در روز داوری، ۲:۵، به اوج خود خواهد رسید. احتمالاً در این صورت، دشمنی که پولس در اینجا، رومیان ۵:۱۰، به آن اشاره می‌کند، شامل دشمنی خدا با انسان‌ها و همچنین دشمنی انسان‌ها با خدا می‌شود.

خارج از مسیح، مردم در موقعیت دشمنی با خدا قرار دارند. و در آشتی، این جایگاه یا رابطه است که تغییر می‌کند. ما از دشمنان خدا به فرزندان او تبدیل می‌شویم، رومیان ۸:۱۴-۱۷.

نتیجه‌گیری موهم در متن اصلی رومیان و هم در متن اصلی رومیان ۵:۹ و ۱۰ صحیح است. اگر می‌خواهیم نجات یابیم، خدا و همچنین انسان‌ها باید با هم آشتی کنند. به طرز مرموزی، کار مسیح بر خود خدا تأثیر گذاشت.

خدا با خدا آشتی می‌کند. من به یک دلیل می‌گویم به طرز مرموزی. خوب نیست که ما وانمود کنیم که امور خدا را بهتر از خودمان می‌فهمیم.

لئون موریس به ما یادآوری می‌کند که ما آشتی دادن خدا با خودمان را فقط تا حدی درک می‌کنیم. من این را اینطور می‌گویم. خوب است که ما در جای خود قرار بگیریم.

الهیات متکبرانه جایی در پادشاهی خدا ندارد. آه، کلام من. اگر این حقایق ما را فروتن نکند تا ما را به پرستشگر، تبدیل کند، تا ما را به درک گناهکاری که بدون خداوند کارهای احمقانه و وحشتناک انجام می‌دهند، برساند، پس ما در دردسر هستیم زیرا شاید لطف خدا را نسبت به خود فراموش کرده‌ایم.

لئون موریس، در تفسیر خود بر رومیان، می‌نویسد: «بنابراین می‌توانیم از خدا به عنوان کسی که با او آشتی کرده صحبت کنیم. ممکن است لازم باشد، در واقع لازم است که هنگام به کار بردن این اصطلاح در مورد خدا، آن را با دقت به کار ببریم. اما آیا این اتفاق در تمام زبان ما نمی‌افتد؟ وقتی می‌گوییم خدا با انسان آشتی کرده است، این بدان معنا نیست که به دلیل نقص‌های مختلف، نگرش خود را نسبت به انسان کاملاً تغییر داده است.»

بلکه، این روش کورکورانه‌ی ماست برای بیان این باور که اگرچه او به شدیدترین شکل ممکن در برابر گناه در هر شکل و صورتی واکنش نشان می‌دهد، به طوری که انسان تحت محکومیت او قرار می‌گیرد، اما وقتی آشتی حاصل می‌شود، وقتی صلح بین انسان و خدا برقرار می‌شود، آن محکومیت از بین می‌رود. اکنون خدا دیگر به انسان‌ها نه به عنوان هدف خشم مقدس و عادلانه‌ی خود، بلکه به عنوان هدف عشق و نعمت خود نگاه می‌کند. سنت آگوستین این را گفت، همانطور که بسیاری از چیزهای به یاد ماندنی را گفت: این معجزه‌ی انجیل است که وقتی خدا از ما به خاطر گناهانمان متنفر بود، ما را در پسرش دوست داشت.

بنابراین، آشتی دادن ما با خدا، عملی انعکاسی از آشتی همزمان اما منطقاً مقدم او با ماست. در سخنرانی بعدی، یکی دیگر از این شش تصویر کتاب مقدس، تصاویر اصلی کار نجات‌بخش مسیح، یعنی رستگاری را بررسی خواهیم کرد.

این دکتر رابرت پترسون در تدریس خود در مورد کار نجات‌بخش مسیح است. این جلسه ۱۴، ۹ کارهای نجات‌بخش، نتایج اساسی، بخش ۳، پنطیکاست، شفاعت عیسی و بازگشت دوم، شش تصویر از کار نجات‌بخش مسیح، جایگزینی، پیروزی، فداکاری، احیاء، رستگاری، آشتی، بخش ۱، آشتی است.